

تحلیلی بر آیات موزون قرآن کریم^۱

علیرضا صالحی^۲

چکیده

وجود وزن‌های عروضی یا غیرعروضی در قرآن کریم، از جمله مباحثی است که بارها مورد توجه پژوهشگران قرآنی قرار گرفته است. در این میان افراط و تغیریت‌های بسیاری به چشم می‌خورد که نتیجه نبود یک نگاه علمی درباره وزن و ماهیت آن و نیز عدم پرسی جامع این موضوع، در ساختار زبانی قرآن کریم است. در این مقاله با تقطیع هجایی کل آیات قرآن کریم، مهمترین پایه‌های وزنی، که در گونه‌های مختلف شعر عروضی فارسی و عربی کاربرد دارد، شناسایی و معرفی گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که بخش اعظم آنچه تاکنون به عنوان آیات موزون، در منابع مختلف معرفی گردیده، در بیشتر موارد جایگاه وزنی نداشته و همراه با تصریفاتی درخواست طبیعی آیات قرآن کریم بوده است. در این مقاله بخشی از آیات موزون قرآن کریم، در شکلها، قالبهای ساختارهای گوناگون، نمونه‌وار معرفی گردیده و با مطالعه این نمونه‌ها، تا اندازه زیادی، به گستره و جایگاه آیات موزون در قرآن کریم پی بردہ می‌شود.

کلید واژه‌ها: وزن، آید، قرآن، آیات موزون

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "پرسی اوزان عروضی و تابهای آوایی در قرآن کریم" می‌باشد، که از سوی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب حمایت مالی شده است.

salehi.iau@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۵/۱۰.

بیان مسئله

موضوع سبک بیانی و زبانی قرآن کریم از دیرباز مورد توجه و مناقشه قرار گرفته است. این که آیات قرآن نظم است یا نثر و یا ترکیبی از نظم و نثر، همواره جزو یرسش های اصلی، درباره سبک زبانی قرآن بوده است. نگارنده در مقاله ای با عنوان: "بررسی نظام زبانی قرآن کریم و نقد نظریه جاخت در زمینه وزن آیات وحی (صالحی، ۸۷ - ۱۱۰) تا حدی سعی نموده پاسخی علمی برای اینگونه پرسشها مطرح نماید. در ادامه مباحث مطرح شده در مقاله یاد شده، در این گفتار می خواهیم موضوع آیات موزون قرآن را بر پایه تقطیع هجایی کل آیات قرآن کریم و مبنی بر نگاهی علمی، تحلیل و بررسی نموده و به دوستداران معارف قرآن ارائه نماییم. بسیاری از پژوهشگران آنگاه که درباره وزن سخن تعریفی ارائه می دهند، سعی کرده اند بین وزن در شعر و موسیقی تفاوتی قابل شوند. برای نمونه حسین دهلوی در کتاب پیوند شعر و موسیقی آوازی، بر این باور است که ریتم یا وزن کیفی است که در کلام، از توالی هجاهای کوتاه و بلند و در موسیقی از توالی کشش های مختلف حاصل می شود (دهلوی، ۲۳). پرویز ناتل خانلری نیز در کتاب وزن شعر فارسی، می گوید: «وزن، نظم و تناسبی است در اصوات و در شعر به جای اصوات کلمات است» (خانلری، ۹۳). فارابی نیز آنچه در لحن مشابه حروف در شعر است را نغمه نام نهاده (فارابی، ۳۲). شفیعی کدکنی نیز در کتاب موسیقی شعر، مایه کار در موسیقی و شعر را صوت می داند؛ یکی صوت های موسیقی که به حسب نسبت زبرویمی نغمه را و به حسب وقوع در زمان های متساوی ضرب و وزن را ایجاد می کند. جای دیگر صوت های لفظ که ترتیب آن ها به حسب دلالت، صوت های گوناگون به ذهن القامی کند و تنظیم آن صوت ها به حسب آهنگ و وزن نشاط و شوقی در شنونده برمی انگیزد که صورت های ذهنی را جان و جنبشی

می بخشد و از آن حالت خاصی در نفس پدید می آید و این خوش آهنگی متغیر از احساسات شاعران در تأثیر آنها نقش عمدی دارد (شفیعی کدکنی، ۴۷). آنچه در این مقاله مورد تاکید قرار گرفته و در وزن شناسی آیات وحی مبنا بوده است، این است که ماهیت وزن در موسیقی و شعر یکی است و تنها در صورت نموداری اوزان، در دو عرصه یاد شده تفاوت هایی دیده می شود. همه آیات قرآن کریم برپایه روش ضربی یا کوبه ای و تشخیص تک ضرب، دو ضرب و سه ضرب های موجود در زنجیره آیات قرآن کریم و تطبیق آنها با روش های تقطیع، در عروض سنتی، بررسی وزنی شده و در این بین، آیات موزون شناسایی گردیده اند.

چگونگی آیات موزون قرآن کریم

همه کسانی که با ادبیات فارسی و عربی آشنایی دارند، می دانند که اوزان به کار رفته در آثار منظوم فارسی بسیار روان و یرطینی هستند و از اختیارات و ضرورت های شاعری بهره برداری و استفاده اند کی کرده اند. در مقابل، بخش قابل توجهی از اوزان به کار رفته در آثار نظم عربی، بسیار سنگین و به دلیل استفاده شاعر از ضرورت ها و اختیارات شاعری، سلاست و روانی خود را برای خواننده فارسی زبان از دست داده اند. در این زمینه می توان پژوهش مستقلی انجام داد و با ذکر شواهد و دلایل، زوایای گوناگون موضوع را باز نمود و ارائه کرد.

با این مقدمه، پرسشی که می تواند مطرح شود این است که آیات موزون قرآن کریم، به کدام یک از ساخت های آثار منظوم ادب فارسی و عربی نزدیکی و همسویی بیشتری دارد؟

با نگاهی گذرا به آیات موزون قرآن کریم، در می یابیم که این آیات، از نظر روانی و رسایی و نبود هر گونه جلوه ضرورت و اختیارات وزنی در آنها، با آثار منظوم فارسی همسویی و هماهنگی کامل دارد.

جالب است بدانیم برخی وزنها مانند متقارب و رمل و دیگر پایه های وزنی، که به باور سخن سنجان، از اوزان غالب و ویژه در آثار منظوم فارسی هستند، فراوانی و بسامد قابل توجهی در بین آیات موزون قرآن کریم دارند.

اگرچه این انگاره نیز نیاز به بررسی و پژوهش های بیشتر دارد، اما می توان از پیوند هایی که میان اوزان قرآنی و وزنهای آثار منظوم ادب فارسی وجود دارد، چین استباط کرد که بسیاری از شاعران فارسی زبان، به دلیل ارتباط گسترده با قرآن کریم، به نوعی تحت تأثیر موسیقی کلامی آیات وحی قرار گرفته و آیات موزون در شکل گیری صورتهای وزنی، در آثار آنان تأثیرگذار بوده است؛ اگر باور بسیاری از عروض دانان که، پایه های وزنی شعر فارسی را برگرفته از عروض عربی می دانند را بپذیریم، باید بین وزنهای شعر عربی و فارسی از جهات گوناگون همسویی و هماهنگی دیده می شد، و شاعران در گستره این دو زبان، وزن اشعارشان به یکدیگر شباهت فراوانی پیدا می کرد؛ ولی با نگاهی گذرا می توان فهمید که چین ارتباط تنگاتنگی وجود ندارد و اختلافات وزنی بین این دو زبان بسیار معنادار است.

البته در این باب نمی توان تفاوت های ساختاری و گویشی میان زبان فارسی و عربی را نادیده گرفت؛ اما آنچه مبرهن است نزدیکی، همسویی و هماهنگی وزن آثار منظوم فارسی، با اوزان قرآنی و نه با آثار ادب عربی است. موضوعی که در فرصت های بعدی باید به تفصیل درباره آن سخن گفت و در این گفتار مجال پردازش بیشتر آن وجود ندارد.

نکته دیگر اینکه بر خلاف عروضیان قدیم، که وزن را محدود می کرده و در چند زنجیره وزنی خلاصه می نمودند، وزن زمینه گسترده ای دارد و منحصر و محدود به چند قالب وزنی نمی شود.

در این عرصه نکته مهمی وجود دارد و آن اینکه همه صورتهای وزنی، کیفیت موسیقایی یکسانی ندارند. این کیفیت را گوش تشخیص می‌دهد و معیار و میزان مشخصی برای آن نمی‌توان یافت. این موضوع در بین افراد گوناگون و قومیت‌های مختلف هم می‌تواند متفاوت باشد. ممکن است وزنی برای کسی خواشایند و برای دیگری ناخواشایند باشد. همچنین وزنی برای یک فارسی زبان خواشایند، اما برای یک عرب زبان یا انگلیسی زبان صورت خواشایندی نداشته باشد. آیات موزونی که در این مقاله معرفی می‌کنیم، از زنجیره‌های وزنی مشهور میان فارسی زبانان و اعراب است که شاعران و سخن‌سرایان بارها بر پایه آنها سخن‌سرایی کرده و اشعار نابی را پدید آورده‌اند. البته بخشی از وزنها هم نمونه‌ای شعری برای آنها نمی‌توان یافت و کاملاً بکر هستند.

همان گونه که گفتیم، در حوزه زبان عربی و به جهت ماهیّت این زبان، وزن‌های سنگین بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و شاعران و سخن‌سرایان عرب این گونه وزنها را بیشتر از اوزان دیگر استفاده کرده‌اند.

بخش اعظم وزن‌های سنگین، بر پایه ترکیب رکن‌های مختلف و غیر تکراری با یکدیگر ساخته می‌شود. قصيدة معروف بحتری نمونه‌ای از این نوع وزن است: صنتُ نفسى عمَىالنس نفسى و ترمعت عن جدا كل جبس (انوار، ۲۱)

فاعلاتن مست فعلن فعلاتن فاعلاتن مست فعلن فعلاتن وزنهایی که بر پایه تکرار رکن و یا تکرار ترکیب دو رکن شکل می‌گیرند، معمولاً جزو وزن‌های سبک، مططن و به نوعی هیجان آور محسوب می‌شوند. این نوع وزنها بیشتر در شعر فارسی نمود دارند و در اشعار عربی کمتر دیده می‌شوند. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که حرکت و پویایی عظیم موجود در بطن

و محتوای آیات الهی در ظاهر آیات وحی نیز پدیدار گردیده است. این ویژگی اگرچه در جای قرآن کریم نمودار است، اما در آیات جزء‌های آخر قرآن کریم نمود بارزتر و بیشتری دارد. به نظر می‌رسد بین اوزان هر سوره با رویکرد موضوع کلی حاکم بر آن، تناسبی وجود داشته باشد که این موضوع هم مانند سایر موارد یاد شده نیازمند بررسی دقیق‌تری می‌باشد.

از دیگر ویژگی‌های آیات موزون قرآن این است که وزن این آیات جزو وزن‌های اصلی هستند. همان‌گونه که می‌دانیم در شعر عربی و گاهی در شعر فارسی، شاعران اشعاری می‌سرایند که از وزن اصلی برخوردار نیست و بر پایه قواعدی که به عنوان ضرورات و اختیارات شاعری، برای خود تعریف کرده‌اند، وزن غیر اصلی را به اصلی تبدیل می‌کنند. گاهی به ضرورت و خارج از جریان عادی کلام، یک هجای کوتاه را بلند تلفظ کرده و دو هجای کوتاه را تبدیل به یک هجای بلند و... می‌کنند.

نکته دیگری که در باب آیات موزون می‌توان اشاره کرد، تنوع و گستردگی وزنها در کتاب شریف قرآن کریم است. افزون بر اوزان معروف و غیر معروفی که سخن پردازان فارسی و عربی، در آثار خود بکار گرفته‌اند و نمونه‌های وزنی آنها در قرآن کریم یافت می‌شود، در کتاب وحی با اوزانی روبرو می‌شویم که کاملاً بدیع هستند و زمینه و گسترده‌وزنی جدیدی را می‌توانند برای آنان ایجاد نمایند. این موضوع نیز نیازمند بحث مستقلی است که در جای خود باید بدان پرداخته شود.

اگرچه در این مقاله ما عنوان آیات موزون را به کار گرفته‌ایم، اما باید بدانیم همه آیات موزون، در قالب آیه‌ای مستقل نیستند و بیشتر آنچه ما آیات موزون می‌خوانیم، در قالب جمله یا عبارتی کامل است که در دل آیات الهی نمود یافته و بخشی از آیه را شامل می‌شود. مهمترین ملاک‌ها در معرفی آیات موزون این

است که آیه موزون، جمله‌ای مستقل و کامل و دربردارنده پیام قرآنی مشخص و معلومی باشد. این آیات موزون گاه همراه با حرف ربط ماقبل خود و گاه بدون حرف ربط ماقبلشان صورت وزنی پیدا می‌کنند. همچنین گاه وزن به دست آمده بر اساس ساکن خواندن حرف آخر جمله و گاهی بر پایه متخرّک خواندن آن است.

بیشتر اشعار فارسی و عربی، سه رکنی و چهار رکنی هستند و اشعار دو رکنی و پنج رکنی و شش رکنی بسیار کم داریم. بیشتر اوزان شناسایی شده در قرآن کریم هم، سه رکنی و چهار رکنی هستند و البته وزنهای دو رکنی هم به همان نسبت یافت می‌شود. در موارد محدودی شاهد وزنهای پنج رکنی و بیشتر هم هستیم. اما نکتهٔ بسیار مهمی که در پایان باید بدان اشاره کنیم این است که، آیات موزون، با همان مشخصاتی که در این بخش مورد تأکید قرار گرفت، مانند حلقه‌هایی هستند که در کنار دیگر حلقه‌ها و مؤلفه‌ها، زنجیره کلامی قرآن کریم و نظام زبانی قرآنی را تشکیل می‌دهند. در شکل گیری زنجیره و نظام زبانی قرآن کریم، افزون بر حلقه‌های موزون کلامی، فاصله، ترادف، تجانس، توارد، تکرار و دهها مؤلفه و حلقه دیگر نقش دارند که مجموعه آنها در کنار یکدیگر، نظام زبانی قرآن کریم را تشکیل می‌دهند که با هیچ نظام و ساختار زبانی دیگری قابل مقایسه نیست. نظامی که از همه ظرفیت‌های سخن، که درنظم، شعر، نثرادبی، زبان علمی و حتی زبان عامیانه، می‌تواند نمود یابد، در عالیترین جلوه‌ها و سطح‌ها بهره برده، اما در هیچ جلوه‌ای منحصر و محدود نگردیده است. قرآن کریم، برپایه این جامعیت زبانی، نمونه و نظیری در عالم هستی نداشته و نخواهد داشت. حقیقت اعجاز قرآن، به همان اندازه که دربطن، محتوا و پیام آیات وحی جلوه گر

است، در زبان و ظاهر این کتاب آسمانی نیز نمود یافته و در ک حقيقة آن، روشنگر راه سالکان طریق معرفت قرآنی خواهد بود.

مرز میان آیات موزون و آیات موزون افتاده

در باره آیات موزون و کیفیت آنها کارهای علمی دقیقی صورت نگرفته است. در میان مباحث کلی که در باره سبک بیان قرآن کریم و اشارت هایی که درباره موزونی یا بی وزنی آیات قرآن، در آثار شخصیت های بزرگی چون جاحظ، سیوطی، باقلانی، جرجانی، عبدالمک اصمی، ابو عیید قاسم بن سلام، الحموی و دیگر قرآن پژوهان رفته است، کتاب انوار الریبع فی الانواع البديع، اثر صدرالدین دشتکی شیرازی را می توان اولین قدم اساسی در معرفی آیات موزون قلمداد کرد. او در این کتاب افزون بر شائزده وزنی که ابن حجه حموی، در کتاب خزانة الادب وغاية الارب آورده، بیست و دو عبارت موزون دیگر را معرفی می کند. جالب است بدانیم بیشتر کسانی که در باب آیات موزون قرآن سخن گفته و نمونه هایی را آورده اند، معتقدند که این آیات به تعبیر اخوان ثالث، آیات موزون افتاده اند و نه آیات موزون. همان چیزی که جاحظ با آوردن مثال "من یشتری با ذنجان" (مست فعلن) به طرح آن می پردازد و وجود این گونه وزنها در گستره زبان را امری طبیعی و نه هدایت شده و هدفمند برمی شمارد. اخیراً هم مقاله ای در یکی از مجله های علمی، با عنوان "اعجاز موسیقایی قرآن در آینه عبارتهای موزون (شریف وبهرامی، ۱۳۹۷)" به چاپ رسیده که به معرفی آیات موزون قرآن کریم می پردازد. در مجموعه کارهای صورت گرفته و مواردی که در باره آیات موزون نقل گردیده، کاستیها و نقایصی به ترتیب زیر دیده می شود:

- ۱- آیات موزون به صورت موردی و گزینشی مطرح شده و برایه پژوهشی جامع، در کل قرآن کریم نبوده است.

۲- در بسیاری موارد موضوع آیات موزون با قطعات موزون طبیعی که در کلام عادی نمود پیدامی کند، آمیخته شده و نقطه تمایزی میان این دو زمینه دیده نشده است.

۳- از آنجایی که پرداختن به موضوع وزن و ابراز نظر در باب آیات موزون و مسائل ماهوی آن، نیازمند داشتن درک درست و جامع نسبت به مبانی علمی موسیقی و شعر است، در اکثر آثار ضعف مبنایی نسبت به مقوله های یادشده مشاهده می شود.

اگر ما نتوانیم مرز مشخصی بین عبارتهای موزون قرآنی و قطعات موزون افاده قرآن کریم، ترسیم نماییم، این گونه کجروی ها که شمهایی از آن را بیان کردیم، ادامه خواهد یافت و قضاوی محکم و علمی درباره آیات موزون صورت نخواهد پذیرفت.

در نوشته زیر که نمونه ای از نشر اداری روزگار ماست، در نگاه نخست و هنگامی که آن را بر پایه روند طبیعی گفتار می خوانیم، هیچ جلوه موزونی مشاهده نمی کنیم.

به اطلاع کلیه اعضای محترم صندوق خیریه افق می رساند، که امروز دوشنبه ساعت پنج عصر، جلسه ای در محضر خانم کمالی، ریاست محترم صندوق، برگزار می شود. از کلیه اعضا انتظار می رود رأس ساعت مقرر در ساختمان صندوق، به آدرس تحریش، به سمت کوی دربند، ده متری عنصرالمعالی، پلاک ۲۲، واحد ۵، حضور یابند. ضمناً فهرست هزینه های جاری صندوق در سال ۱۳۹۶ به پیوست تقدیم می گردد.

حال اگر در همین نامه کوتاه، برخی عبارتها را از متن جدا کرده، و به صورت

مجزا بخوانیم، کمینه پنج وزن یکسان با استفاده و با اجتناب به دست آمده عبارتند از:

- | | |
|----------------------------|-------------------|
| ۱. امروز دوشنبه ساعت پنج | مفهول مفاعلن فولن |
| ۲. در محضر خانم کمالی | مفهول مفاعلن فولن |
| ۳. تجربیش به سمت کوی دربند | مفهول مفاعلن فولن |
| ۴. فهرست هزینه های جاری | مفهول مفاعلن فولن |

قطعات موزون بالا، که از دل یک نوشه اداری بی وزن و نظم، بیرون کشیده شده، در زمرة و همانند آیات موزون افتاده و نه آیات موزون است که هرگز عنوان موزونی نمی توانیم بر آنها بدھیم و جزو پدیده های ذاتی و طبیعی زبان به شمار می آیند.

ظهور برخی پایه های وزنی، عروضی و یا غیرعروضی، در صحنه کلام امری کاملاً طبیعی و بدیهی و ناخودآگاهانه است. یعنی گوینده یا نویسنده بدون آنکه بخواهد یا خود خبر داشته باشد، فکرش با صورتهایی از وزن آمیخته می شود. از آنجایی که این صورتهای وزنی، در حالت طبیعی با واژه های قبل و بعدشان پیوند برقراری کنند، دیگر از حالت موزونی خارج می شوند. به بیان علمی چنین می توان گفت که در هر نوشه، کلمه ها و عبارتهایی وجود دارد که ما در اصطلاح، آنها را وزن شکن می نماییم. برای نمونه حرف ربط «که» که قبل از جمله موزون «امروز دوشنبه ساعت پنج» و کلمه «عصر» که در پایان این عبارت موزون آمده، وزن عبارت یاد شده را می شکند و به کلام عادی تبدیل می کند. افزون بر این ها با بهره گیری از برخی ابزارهای زبانی مانند تکیه، کشش، سکوت و لحن، می توان یک عبارت بی وزن را موزون نشان داد.

اما در مقابل این آیات موزون افتاده، در قرآن کریم جلوه هایی از کلام موزون

وجود دارد که البته با آنچه در نظم و شعر دیده می‌شود، باز تفاوت‌های اساسی دارد و تنها به عنوان پایه‌های وزن می‌توان از آنها بهره گرفت و جزو آیات موزون به حساب آورد. پایه وزن در یک مصرع شعری نمود می‌یابد. برای نمونه: «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» یک پایه وزنی است. این پایه وزنی در کوچکترین قالب شعری، یعنی تک بیت، در دو مصراع چهار رکنی یکسان خود را نشان می‌دهد.

بلبلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت

وندران برگ و نواخوش ناله‌های زار داشت

فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

تکیه اصلی این مقاله بر معرفی آیات موزون، و بیان ویژگی‌های این گونه آیات است.

در همین زمینه شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر اشاره ای دارد بر اینکه برخی قدماء، آیاتی از قرآن کریم را در بحوری از بحور عروضی یافته‌اند. هنگامی که آن آیات را با توجه به یادآوری آنها می‌خوانیم، به گونه‌ای می‌خوانیم که کاملاً قابل انطباق با اوزان عروضی است. ولی وقتی قرآن را مجرد از این یادآوری آنان می‌خوانیم به هیچ وجه وزن عروضی در آن احساس نمی‌کنیم (شفیعی کدکنی، ۵۴۳). منظور شفیعی کدکنی از کارهای برخی از قدماء، قصیده صفتی علیشاه در مدح علی (ع)، که در آن برخی از آیات را به عنوان مصرع دوم قصیده آورده (انوار الربيع، چاپ سنگی، ۴۲۰) و مقاله اخوان ثالث با عنوان آیات موزون افتداده (یادنامه علامه امینی، ۱۶۲۴۵) و مقدمه احمد علی رجایی بخارایی بر کتاب پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری می‌باشد (رجایی بخارایی، ۵۶ - ۴۷). ایشان در این زمینه همچنین به بیان ابراهیم انیس در کتاب موسیقی الشعر، استناد می‌کند

که در آنجا گفته است: «وقتی با ترتیل قرآنی، این آیات خوانده شوند، هیچ وزنی (منظور اوزان عروضی) احساس نمی شود» (ابراهیم انیس، ۳۲۲ - ۳۳۲). نگارنده با مراجعه به کلیه منابع یاد شده و دیگر منابع موجود در این زمینه، بر پایه آنچه در تحلیل آیات موزون آورده شده است، تاکید می کند، که آنچه در قرآن کریم به عنوان آیات موزون می شناسیم، حلقه های موزونی هستند، که در کنار حلقه های ناموزون قرار گرفته اند و به همین خاطر در هنگام خواندن آیات الهی، در جریان عادی گفتار، بین دیگر حلقه های بی وزن قرار می گیرند و در این زنجیره های کلامی، موزون بودن آنها احساس نمی شود.

همچنان که وزن یک مصروع یا بیت، وابسته به تکرار و توالی ارکان موزون است و یک رکن موزون به تنها یی نمی تواند وزن ایجاد کند، آیات موزون قرآنی هم زمانی ظهور و بروز واقعی خواهد داشت که تکرار و توالی داشته باشد و در بین آیات بی وزن پیش و پس خود محصور نگردند. در برخی نمونه ها، که آیات موزون قرآنی به دنبال هم می آیند، وزنها تکرار می شوند، خواننده به خوبی موزون بودن کلام را احساس می کند؛ مانند آنچه در سلسله آیاتی نظیر:
والذاریات ذروا- فالحاملات وقرا- فالجاریات یسرا- فالمقسمات امرا و دیگر نمونه هایی که در بخش اول معرفی آیات موزون این مقاله به آنها اشاره کرده ایم نمود پیدا می کند. نکته مهم در اینجا این است که عدم احساس وزن آیات موزون در هنگام تلاوت قرآن کریم، چنانچه شفیعی کدکنی مطرح کرده است، به نوع خواندن مربوط نمی شود، بلکه به قرار گرفتن آیات موزون در بین آیات ناموزون (منظور آیاتی است که وزن عروضی ندارند) ارتباط دارد؛ باز در این مقاله تاکید کرده ایم که، ما آیاتی را به عنوان آیات موزون می شناسیم که مطابق جریان عادی کلام، وزن در آنها نمود یافته، و بر مبنای آن چیزی که جا حظ

ادعامی کند که عجم (مقصودش ایرانیان است) کلمات را می کشنده و کوتاه و بلند می کنند تا با آهنگ تطبیق کنند و بدینسان ناموزون را برجیزی موزون قرار می دهند نیست. (قیروانی، ۳۱۴).

برای نمونه اگر آیه شریفه: «الذینَ ينقضونَ عهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيَاثِقِهِ» (البقره، ۱۷) را در مجرای طبیعی زبان جاری کنیم، ارکان به دست آمده مبتنی بر شکل عادی تلفظ، به صورت زیر است و وزن مشخصی از آن به دست نمی آید:

الذينَ / ينقضونَ / عهْدَ اللّٰهِ / مِنْ بَعْدِ / مِيَاثِقِهِ
فاعلاتن فاعلاتن مفعولات مفعول مستفعلن

این آیه بر پایه صورت طبیعی زبان، به پنج رکن تقسیم شده، که این پنج رکن بدون هیچ تکیه، سکوت، کشش و لحن اضافی، پشت سر هم تلفظ می گردند و خواننده و شنونده، در آن وزن مشخص و معروفی را احساس نمی کند. اما اگر آیه بالا را به شکل زیر رکن بندی نمائیم و بین هر رکن، مکث و سکوت کوتاهی داشته باشیم و به برخی از هجاهات تکیه بدهیم، آیه تقریباً موزون شده، با صورت قبلی کاملاً متفاوت است:

الذينَ / ينقضونَ / عهْدَ اللّٰهِ مِنْ ° / بَعْدِ مِيَاثِقِهِ
فاعلاتن / فاعلاتن / فع لن فاعلن / فاعلن فاعلن

در این نمونه بر پایه سکوت هایی که در قسمت های مختلف اعمال می کنیم، آیه به چهار بخش تقسیم شده و در پایان هر بخش، خواننده باید مکث کوتاهی کرده و بخش قبلی را به سرعت به بخش بعدی الحاق نکند. برای روشن شدن بیشتر مطلب نمونه ای نیاز از شعر فارسی می آوریم. بیت:

نداشت به حقیقت که در جهان به که مانی
جهان و هر چه درو هست صورت‌اند و توجانی

مطلع یکی از غزلهای زیبای سعدی است که وزن مشهور آن: مفاعلن / فعلاتن / مفاعلن / فعلاتن می باشد. حال در بیت بالا وقتی حرف «به» را به دنبال «ندانمت می آوریم» و مکث می کنیم، «به» که هجای کوتاه است، چون با سکوت مواجه می شود، با تقطیع ضربی به یک هجای بلند تبدیل می شود. اما وقتی حرف «به» به «حقیقت» وصل می شود، شکل هجای کوتاه به خود می گیرد و همین است که موجب ایجاد اختلال در صورت وزن می گردد. این موضوع در بخش بعدی مصرع یعنی وقتی حرف «که» را جدا تلفظ کنیم و به کلمه بعدی اش یعنی «در» وصل نکنیم صادق است. حال اگر بیت را از برپایه آنچه گفته شد، از صورت تلفظی طبیعی و اصلی آن خارج کنیم و برپایه بخش بندی زیر و با اعمال سکوت کوتاه در پایان هر بخش بخوانیم، با صورت وزنی دیگری رو به رو هستیم که روانی خود را کاملاً از دست داده و به وزن غیر معروف، با درجه گوشنوایی بسیار پایین تری خود نمایی می کند.

ندانمت به^۰ / حقیقت^۰ / که^۰ / در جهان به^۰ / که مانی^۰

مفاعلن فع / فعولن/فع / فاعلان/ فعولن

یا اگر بیت را با بخش بندی زیر بخوانیم، کلاً شکل جدید پیدا کرده و از هیچ گونه صورت وزنی برخوردار نیست.

ندانمت^۰ / به حقیقت که^۰ / در جهان^۰ / به که^۰ / مانی^۰

مفاعلن / فعلاتن فع / فاعلن / فعل / فع لن

بر پایه آنچه گفته شد، با بخش بندی های مشخص و سکوت ها و تکیه های که در یک جمله اعمال می کنیم، هم می توانیم عبارات موزون را از وزن بیندازیم و هم به یک عبارت و جمله بی وزن، وزن ببخشیم.

آنچه ما به عنوان آیات موزون قرآن کریم نقل می کنیم، وزن آیه، بر بستر

طبعی زبان به دست آمده و هیچ گونه دخل و تصریفی در بستر طبیعی زبان صورت نگرفته است.

برگزیده‌ای از آیات موزون

دراین بخش نمونه‌هایی از آیات موزون، از سوره‌های مختلف قرآن کریم را معرفی می‌کنیم. این آیات برپایه شرایط و ویژگی‌های خاصی که دارند، در شش گروه به ترتیب زیر طبقه بندی شده‌اند. البته امکان طبقه بندی‌های دقیق تر و گسترده‌تر آیات موزون، همراه با ذکر شواهد وزنی آنها در آثار ادب فارسی و عربی و حتی تحلیل علمی آیات موزون در قالب هریک از سوره‌های قرآن کریم امکان پذیر است. و البته جستارهای گسترده‌تر و مجال دیگری را طلب می‌نماید. بی‌تردید مباحثی که درباره کیفیت آیات موزون و جلوه‌ها و جنبه‌های گوناگون آن در این مقاله بیان گردید، به همراه نمونه آیه‌های موزونی که در ذیل آورده ایم، برای داشتن درک درستی از آیات موزون قرآن کریم، درساحت نظام بی‌بدیل قرآنی، تا اندازه زیادی بسنده و راهگشا خواهد بود.

الف: آیات موزون متوالی

دراین آیات موزون قرآن کریم، به آیاتی برمی‌خوریم که دو یا چند آیه هم وزن، پشت سرهم آمده و به صورت یک بیت، سه مصرع یا یک رباعی نمود یافته‌اند. این نمونه‌ها بیشترین نزدیکی را به سخن منظوم دارند. در برخی نمونه‌های زیر گاهی وزن آیه اول و یا آیه آخر، با وزن بقیه آیات متفاوت است.

۱. **وَالصَّافَاتِ صَفَا - فَالْزَّاجِرَاتِ زَجْرَا - فَالثَّالِيَاتِ ذُكْرَا** (۳۷ / ۱ - ۳) -

فع لَنْ فَاعْلَاتَنْ / مستفعلن فَعُولَنْ / مستفعلن فَعُولَنْ

۲. **وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا - وَالنَّاشرَاتِ نَشْطًا - وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا** -
فَالسَّابِقَاتِ سَبِقَّا (۱/۴) - مفعول فاعلتن (۴ بار)
۳. **وَالذَّارِيَاتِ ذُرْوا - فَالْحَامِلَاتِ وَقْرًا - فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا - فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا** (۵/۱) - مفعول فاعلتن (۴ بار)
۴. **وَالْعَادِيَاتِ صَبَحَا - فَالْمُورِيَاتِ قَدْحَا** (۱۰۰/۱ او ۲) - مفعول
فاعلتن (۲ بار)
۵. **فَأَثْرَنَ بِهِ نَقْعًا - فَوَسْطَنَ بِهِ جَمْعًا** (۱۰۰/۴ او ۵) - فعلات
مفاعلن (۲ بار)
۶. **أَنَّا صَبَبَنَا الْمَاءَ صَبَّا - ثُمَّ شَقَقَنَا الْأَرْضَ شَقَّا** (۸۰/۲۵ او ۲۶) -
مستفعلن مستفعلن فع (۲ بار)
۷. **وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ - أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ** (۱۱۰/۵ او ۶) - مستفعلن
مستفعلن (۲ بار)
۸. **فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ - فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ - قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ** (۱۰۱/۷) -
مستفعلن فاعلن / مستفعلن فاعلن / مفاعلن فاعلن
ب: بخشی از آیات موزون قرآن کریم در یک آیه کامل نمود یافته و ارزش
موسيقایی بیشتری دارد. نمونه هایی ازین گونه آیات در زیر آمده است.
۱. **اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ** (۳۴/۵۰) - فاعلتن فاعلتن
فاعلتن فاعلن
۲. **إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ** (۵۲/۷) - مفتعلن مفاعلن فعون
۳. **يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَّا** (۵۲/۱۳) - مفتعلن مفتعلن
مفتعلن مفاعلن

٤. وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحُهُ وَإِذْبَارُ النُّجُومِ(٤٩ / ٥٢)-فاعلاتن فاعلاتن
فاعلاتن فاعلن
٥. هُدَى وَذِكْرِي لِأُولَئِكَ الْأَلْبَابِ(٤٠ / ٥٤)-مفاعلن مفعلن مفعولن
٦. إِنْ أَبْرُمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ(٤٣ / ٧٩)-مستفعلن مستفعلن
مستفعلن
٧. كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطْوَنِ(٤٤ / ٤٥)-مستفعلن مستفعلن
٨. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ(١١ / ٩٦)-فع لن فاعلات فاعلات فع
٩. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ(٣٧ / ٦٠)-فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
١٠. اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى(١٧ / ٧٩)-مستفعلن مستفعلن
مفاعلن
١١. فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدُ فَكِيدُونِ(٧٧ / ٣٩)-مفاعيلن مفاعيلن فعولن
١٢. أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنَّ نَجْمَعَ عِظَامَهُ(٢٥ / ٣)-مفاعلن مستفعلن
مستفعلن فعولن
١٣. إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ(٥٦ / ٩٥)-فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
١٤. هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرُمُونَ(٥٥ / ٤٣)-فاعلن
مفاعلن مفاعلن مفاعلن فاعلن
١٥. إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا(٤٨ / ١)-فع لن فعولن مفاعيلن فعولن
١٦. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ(٣٨ / ٨٠ - ١٥ / ٣٧)-فع لن مفاعلن
مفاعيل فع
١٧. رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ(٣٧ / ١٠٠)-فاعلن فاعلن فاعلن
١٨. إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقُلْبٍ سَلِيمٍ(٣٧ / ٨٤)-مستفعلن مستفعلن فاعلن
١٩. سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ(٥ / ٩٧)-مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۲۰. فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵/۸۶)-مستفعلن مستفعلن فاعلن
۲۱. هَيْهَاٰتٍ هَيْهَاٰتٍ لِمَا تُوعَدُونَ (۲۳/۳۶)-فع لـ فعلن مفاعيل

فع

ج: گروه سوم آیات، که بیشترین تعداد آیات موزون را نیز شامل می‌شود، عبارتند از جمله‌های کامل موزونی که در دل یک آیه مرکب قرار گرفته و بخشی از آیه محسوب می‌شوند و نه همه آن. در زیر نمونه‌هایی از این گونه آیات را می‌آوریم.

۱. وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۴/۱۴۱)-فعولن
فعولن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن
۲. وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۱/۱۲۳) - فعلن فعلن فعلن
فعولن فعلن فعلن

۳. وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُعَاثُوا بِمَاٰءِ (۱۸/۲۹)-فعولن فعلن فعلن
۴. فَقَدْ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ / وَثَمُودٌ (۴۲/۲۲)-فعولن
فعولن فعلن فعلن
۵. وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۵/۱۷)-فعولن فعلن فعلن
فعولن فعلن

۶. اِقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَةَ (۲/۱۱۰)-فعولن فعلن فعلن فعلن

۷. وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۷/۱۸۳)-فعولن فعلن فعلن فعل

۸. وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ (۷/۸۵)-فعولن فعلن فعلن فعل

۹. سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۳۷/۷۹)-فعولن فعلن فعلن فعل

۱۰. لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرْجٌ (۳۳/۵۰)-فعولن فعلن فعلن فعل

۱۱. وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵/۱۱۷)-فعولن فعلن فعلن فعل

١٢. وَلِكَافِرِينَ عَذَابُ أَلِيمٍ (١٠٤) - فعولن فعولن فعولن فعل
١٣. وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِمَّ (١٠٤) - فعولن فعولن فعولن فعل
١٤. وَكُنَّا نَحْوَضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (٤٥ / ٢٤) - فعولن فعولن فعولن فعل
١٥. فَقَدْ فَازَ فَؤْرًا عَظِيمًا (٢١ / ٣٣) - فعولن فعولن فعولن
١٦. قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي (٨٥ / ١٢) - فعولن فعولن فعولن
١٧. بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (١١٧ / ٢) - فعولن فعولن فعولن
١٨. قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَبِيلًا (٢ / ٢٣) - فعولن فعولن فعولن
١٩. فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (٨٤ / ١١) - فعولن فعولن فعل
٢٠. أَلَمْ نَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (٢٢ / ١٦) - فعولن فعولن فعل
٢١. وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتِنِي كُنْثُ تُرَابًا (٢٤ / ٧٨) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٢. لَئِنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (٩٢ / ٣) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٣. لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفُرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (٣٩ / ٣٥) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٤. فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلِمْكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (٢٣٩ / ٢) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
٢٥. جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمالٍ (١٥ / ٣٤) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٦. أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتٍ مَا كَسَبُتُمْ (٢٦٧ / ٢) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٧. وَأَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا (٩٣ / ٢) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٨. فَادْكُرُوا اللَّهَ قِياماً وَقُعُوداً (٤ / ١٠٣) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٩. وَأَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا (٩٣ / ٢) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

۳۰. لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۵۳/۳۹) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳۱. قَالَ رَبُّ إِنَّ قَوْمِيِّ كَذَّبُونِ (۲۶/۱۱۲) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳۲. ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۲/۸۴) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳۳. قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ (۲۶/۲۸) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳۴. أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱/۱۱۶) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳۵. وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (۸/۴۵) - فاعلاتن فاعلاتن
۳۶. فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ (۴/۱۰۳) - فاعلاتن
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳۷. قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَالَمَ الْغَيْوَبِ (۴۸/۳۴) - مستفعلن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۳۸. رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۴۵/۳۶) - مستفعلن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۳۹. إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۵۹/۱۶) - مستفعلن مستفعلن
مستفعلن
۴۰. قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً (۶/۱۹) - مستفعلن مستفعلن مفاعلن
۴۱. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ (۲۲/۲) - مستفعلن مستفعلن مستفعلن
۴۲. فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۴۰/۱۲) - مستفعلن مستفعلن فاعلن
۴۳. وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ (۲۴/۲) - مستفعلن مستفعلن فاعلن
۴۴. تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا (۲۴/۳۱) - مستفعلن مستفعلن فع
۴۵. بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ (۲۵/۱۷) - مستفعلن مستفعلن
۴۶. وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲/۱۰۵) - مستفعلن مستفعلن
۴۷. لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ (۲۴/۶۱) - مستفعلن مستفعلن

٤٨. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ (٤١/٤١)-مستفعلن مفعلن
مستفعلن مستفعلن
٤٩. قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ (٤٣/٣٤)-مستفعلن مفعلن
مستفعلن مستفعلن
٥٠. أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبُّنَا حَقًّا (٧/٤٤)-مستفعلن مستفعلن
مستفعلن فع لـن
٥١. قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ (٣٩/٣٤)-مستفعلن
مستفعلن مستفعلن فعولن
٥٢. وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ (٤٠/٥)-مستفعلن مستفعلن
مفاعلن فعولن
٥٣. ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ (٤٥/١٨)-مستفعلن مستفعلن
مفاعلن فعولن
٥٤. اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (٧٩/١٢)-مستفعلن مستفعلن
مفاعلن
٥٥. وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي (١٨/٢٤)-مستفعلن مستفعلن فعولن
٥٦. إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِظٌ (١١/٥٧)-فاعلن فاعلن فاعلن
فاعلن
٥٧. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (١/١١٣)-فاعلن فاعلن فاعلن
٥٨. رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (٣٢/١٠٠)-فاعلن فاعلن فاعلن
٥٩. إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (١١/٩٠)-فاعلن فاعلن فاعلن
٦٠. إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (١١/٦١)-فاعلن فاعلن فاعلن
٦١. إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ (٢٢/٥٤)-فاعلن فاعلن فاعلن

۶۲. إِنَّ لِلْمُنْتَقِينَ مَغَازًا (۳۱/۷۸) - فاعلن فاعلاتن

۶۳. فَالْقُوَّةُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَاءِ بَصِيرًا (۹۳/۱۲) - مفاعيلن مفاعيلن

مفاعيلن فعولن

۶۴. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ (۶۰/۳۶) - مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن

۶۵. وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا (۴۵/۳۲) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۶۶. فَذَكْرٌ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكْرٌ (۲۱/۸۸) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۶۷. فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدُ فَكِيدُونِ (۳۹/۲۲) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۶۸. نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسُ لَكُمْ (۱۸۷/۲) - مفاعلن مفتعلن فاعلن

۶۹. فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۹/۲) - مفتعلن مفتعلن فاعلن

۷۰. أَمْ لَهُمْ آلِهَةُ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا (۴۰/۳۵) - فاعلن مفتعلن مفتعلن

مستفعلن

۷۱. لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ (۵۵/۲۸) - فعولن فاعلن فاعلاتن

فاعلن

۷۲. أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ (۱۸/۳۲) - فعالاتن فعلاتن فعلاتن

فاعلن

۷۳. فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا (۴۳/۳۰) - فعالاتن فعلاتن فعلاتن

۷۴. وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ (۲۶/۳) - فعالات فاعلاتن فعلات

فاعلاتن

۷۵. فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ (۷/۹۴) - فعالات فاعلاتن

فعلاتن فعلاتن

۷۶. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا (۴۳/۷) - مستفعلن مستفعلن فعولن

فعولن

٧٧. أَوْجَادُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِسُوا بِهِ الْحَقَّ (٤٠ / ٤)-مستفعلن

مستفعلن مفاعلن فعولن

٧٨. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (٣٣ / ٣٤)-مفاعلن مفتعلن مفاعلن

٧٩. إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (١٥ / ١٠)-مستفعلن

مستفعلن فعولن مفاعلن فعولن

٨٠. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَامْتَأْ (٢٢ / ٢)-فع لن مفاعيلن مفاعيلن

٨١. نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرٌ الْمُؤْمِنِينَ (٦١ / ١٣)-مستفعلن

مستفعلن فاعلن مفاعلن فاعلن

٨٢. وَالَّذِي قَالَ لِوَالَّدِيهِ أَفْ لَكُمَا- (٥٢ / ١٢)-فاعلاتن فعاراتن فاعلاتن

فعلن

٨٣. إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (١٢ / ٣١)-مفعلن فع لن فعلن فعولن

٨٤. قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكِ هَذَا (٣٢ / ٣)-فاعلاتن فعاراتن فعاراتن

٨٥. إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (٥ / ٩٥)-فاعلاتن فعاراتن فاعلن

٨٦. صُمْ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٢ / ١١٢)-فع لن فع لن فع لن

مفاعيلن فعل

٨٧. كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (٢٢ / ٨٢)-فع لن فعولن مفاعيلن فعل

٨٨. أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ (١١ / ٨٥)-فع لن مفعولن

مفعلن فعولن

٨٩. فَمَنْ عَفَ وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (٤٢ / ٤٠)-مفاعلن مفاعلن

مفاعلن فعولن

٩٠. وَلَا هُدَىٰ وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ (٣١ / ٢٠)-مفاعلن مفاعلن فاعلن

٩١. فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (٣٧ / ٢٠)- مفاعلن مستفعلن فاعلن

۹۲. لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنْ وَالْأَذَى (۲/۲۶۴) - مستفعلن متفاعلن
مستفعلن فعل
۹۳. وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۵/۶) - فعالتن فعالتن فاعلن
فاعلن
۹۴. سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيٍ وَأَيَامًا آمِنِينَ (۳۴/۱۸) - مفعولاتن مفاععلن
مفاعيلن فاعلن
۹۵. إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى (۶/۷۱) - مفتعلن مفتعلن فعولن
فعولن فعالتن فعالتن فعل
۹۶. هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ (۳/۵۲) - فعولن فعالتن
فعالتن فعالتن فعل
۹۷. وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۲۸/۲۰) - فعالتن مفاععلن مفاعيلن
مفاععلن فاعلن
۹۸. بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ (۲۱/۵) - مفاععلن مستفعلن فاعلن
فاعلن
۹۹. قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّهِمُوا يُغَفِّرُ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ (۱۸/۳۸)
- مفاععلن مفتعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
فاععلن فاعلن
۱۰۰. وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَأْكُمْ (۲/۱۹۸) - فعالتن مفاععلن فع
فاععلن فاعلن
۱۰۱. وَإِنْ نَشَاءْ نَغْرِقُهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ (۳۶/۴۳) - مفاععلن مفتعلن
فاععلن فاعلن
۱۰۲. فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ (۲/۲۲۲) - مفتعلن مفاععلن فعولن
فاععلن فاعلن
۱۰۳. إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲/۳۲) - مفتعلن فاعلالتن فعل
فاعلالتن فعل
۱۰۴. جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ (۹/۱۰۰) - فعولن فع لן فاعلالتن
فع لן
۱۰۵. كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۲۲/۸۲) فع لן فعولن مفاعيلن فعل
فاعيلن فعل

۱۰۶. ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ (۱۱/۴۱)-مستعملن مفععلن
مفاعلن فعولن
۱۰۷. رَحْمَتْ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲/۴۳)-مفععلن فعلاتن
مفقولن فعل
۱۰۸. وَيَوْمَ يُرَصُّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ (۳۴/۴۶)-مفاعلن مفاعلن
مفععلن فعولن
۱۰۹. أَمْ عِنْدَهُمْ خَرَائِنُ رَبِّكَ - أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ (۵۲/۳۷)-مستعملن مفاعلن فاعلن-مفاعلن فاعلن
۱۱۰. قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَرَائِنِ الْأَرْضِ - إِنِّي حَفِظُ عَلَيْم (۱۲/۵۵)-فاعلاتن فاعلاتن-مستعملن فاعلن
۱۱۱. أَمْ عِنْدَهُمْ خَرَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْغَرِيزِ - الْوَهَابِ (۳۸/۹)-مستعملن مفاعلن مفععلن مفاعلن-مفعولن
۱۱۲. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ - رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۴۴/۸)-فعلات مفعول مفاعيل فعل-فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل

د: در بین آیات موزون به آیاتی بر می خوریم که در بین دو آیه موزون کلمه یا حرفی فاصله شده و با نادیده گرفتن آن، دو آیه موزون به صورت دو مصرع از یک بیت در می آیند. این گونه موارد در قرآن کریم اندک و به چند مورد خلاصه می شوند.

- ۱-أَوَّلَى لَكَ فَأَوَّلَى- (ثُمَّ) أَوَّلَى لَكَ فَأَوَّلَى (۳۵ و ۳۴/۲۵)-مفقول
فاعلاتن-مفقول فاعلاتن
- ۲-إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا- (فِإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (۶۵ و ۹۴/۶)-مستعملن
فاعلاتن-مستعملن فاعلاتن

ه: بخشی از آیات موزون چندین بار در یک سوره یا سوره های مختلف تکرار شده اند. موارد زیر از جمله این آیات می باشند.

۱- وَلَلَهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۳/۱۸۹ - ۵/۱۲ - ۴۵/۲۷ - ۴۰/۲۴)

۲- إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ (۱۸/۵ - ۱۴/۴۸ - ۴۲)

۳- إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲۶/۲۰ - ۴۱/۳۶ - ۸/۶۱ - ۴۴/۶) - فاعلتن فاعلتن
۴- فاعلتن مفاعلن فاعلن (۱۷/۱) - فاعلن مفاعلن فاعلن

۵- إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌ مُبِينٌ (۲/۲۰۸ - ۲/۱۶۸ - ۶/۱۴۲ - ۶/۶۲ - ۴۳/۶۳)

۶- فاعلتن مفاعلن فاعلن (۶۰)

۷- أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶/۴۱ - ۶/۳۹ - ۶/۴۶) - فاعلن فعل

فاعلتن فعل

۸- إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶۷/۱۳ - ۴۲/۳۸ - ۳۵/۲۴ - ۲/۱۸)

۹- فاعلاتن فع لن فعل (۴۳)، (۷/۳۹)

و: برخی از آیات موزون، ترکیبی از چند قالب وزنی هستند که به ترتیب به دنبال هم می آیند.

۱- إِنَّهُ كَانَ فَرِيقُ مِنْ عَبَادِي / يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا / فَاغْفِرْ لَنَا وَأْرَحْمَنَا /
وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۲۳/۱۰۹)

فاعلتن فاعلتن فاعلتن / مفاعيل فاعلن مفعولن / مستفعلن مفعولن /
مستفعلن مستفعلن

۲- إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ / عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا / وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۱۶)

(۹۹)

فاعلن مفعلن مفعولن / مفاعلن مفاعلن / فعالن فعل فعالن فع /

۳- رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا / بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا / وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً /

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۸/۳)

فاعلن فاعلن مفاعلن / فاعلن مفاعلن / فع مفاعلن فعل / فع فعالتن فع

لن

۴- أَللَّمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ / وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ / الَّذِي أَنْقَضَ

ظَهْرَكَ / وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۱/۴۹ - ۴)

مفاعيلن مفاعيلن / فاعلاتن فاعلن / فاعلاتن فعالتن / فعالتن فعالتن

۵- إِنَّ اللَّهَ يَبْدَا الْخَلْقَ / ثُمَّ يُعِيدُهُ / ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَحُونَ (۱۱/۳۰)

مستفعلن فعلن / فع لن مفاعلن / مستفعلن مستفعلن

نتایج مقاله

قرآن کریم تنها کتابی است که از همه ظرفیت های بالقوه سخن، چه آنچه در نظم و شعرمی تواند نمایان شود، چه در نشر علمی و ادبی و حتی شاخص هایی که در کلام عامیانه ظهور و بروزمنی یابد، به فراخور موضوع و مبنی بر معنا و نوع پیام، بهره می گیرد، اما در هیچ یک متوقف نمی شود. از این رو وجود حلقه هایی از اوزان عروضی در کنار دیگر حلقه های متنوع زنجیره کلام وحی، امری کاملا طبیعی و مخالف ساختار روح حاکم بر نظام زبانی قرآن کریم نیست. در میان همه سوره های قرآن کریم، جلوه هایی از آیات موزون، دیده می شود. وزنهای عروضی موجود در قرآن کریم، وزنهایی روان، با ضرب آهنگی بالا و بسیار گوشنوای هستند. این اوزان بیشتر هم راستا با اوزان شعر و نظم فارسی است و شباهت و سنخیشان

با اوزان سنگین موجود در گستره شعر و نظم عربی بسیار اندک است. ازین رو می‌توان چنین استنباط کرد که سخن سرایان ایرانی، بیش از آنکه تحت تاثیر عروض عربی باشند، در آفرینش‌های ادبی خود، از قرآن کریم الهام گرفته و مفتون موسیقی کلامی کتاب وحی شده‌اند. افزون بروزن‌هایی که در مجموعه آثار ادبی منظوم فارسی و یا عربی یافت می‌شود و اکثر قریب به اتفاق آنها را می‌توان در بین آيات موزون قرآن کریم پیدا کرد، در بین آيات موزون، به جلوه‌هایی از وزن برمی‌خوریم، که نمونه و مصادقی در سخن منظوم ندارد. با تقطیع هجایی کل قرآن کریم و شناسایی آيات موزون، مشخص گردید که تعداد آيات موزون در قالب‌های مختلف دو رکنی، سه رکنی، چهار رکنی، پنج رکنی و بالاتر نزدیک به پنج درصد کل آيات قرآن کریم است و ما در این مقاله تنها به معرفی برگزیده‌هایی از وزنهای قرآنی بسته کرده‌ایم. تعداد محدودی از آيات موزون در قالب مصوع‌های دوتایی، سه تایی و چهار تایی هم وزن هستند که بیشترین شباهت را به سخن منظوم دارند. بخشی از آيات موزون در قالب یک آیه مستقل خودنمایی می‌کنند؛ اما بیشتر آيات موزون بخشی از یک آیه می‌باشند و نه همه آیه. گاهی نیز یک آیه موزون، از چند قالب وزنی تشکیل شده که البته وزن یکسانی ندارند. شناسایی آيات موزون قرآن کریم، ضمن آنکه در تحلیل حقیقی و درک واقعی از ساختار زبانی و جنبه‌های اعجازی کتاب وحی نقش اساسی دارد، در عرصه توسعه و تحول دانش وزن شناسی و مطالعات موسیقایی، بسیار موثر و راهگشا خواهد بود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن رشيق قبروانی، ابوعلی حسن، العمدہ، به تصحیح محمد یحيی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۹۵۵م.
۳. اخوان ثالث، مهدی، حریم سایه های سبز (مجموعه مقالات)، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴. حموی، ابن حججه، خزانه الادب و غایه الارب، جمالیه (قاهره)، المطبعه الحریه، ۱۳۰۴ق.
۵. اصفهانی، میرزا حسن (صفی علیشاه)، دیوان اشعار، چاپ دوم، تهران انتشارات صفائی علیشاه، ۱۳۸۵ش.
۶. المدنی، السید علی صدرالدین بن معصوم، انوار الریبع فی الانواع البیع، نجف اشرف، مطبعه النعمان، ۱۹۸۶م.
۷. انوار، سید امیر محمود، ایوان مدائی از نظر دو شاعر تازی و فارسی، بحتری و خاقانی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۸. انیس، ابراهیم، موسیقی الشعر، الطبعة الرابعة، مكتبة الانجلو مصرية، ۱۹۷۳م.
۹. باقلانی، محمد بن الطیب، اعجاز القرآن، تصحیح السید احمد الصقر، دارالمعارف.
۱۰. جاحظ، عمرو بن بحر، البیان و التبیین، به کوشش حججه الاسلام محمد هارون، بیروت، بی تا.
۱۱. دھلوی، حسین، پیوند شعر و موسیقی آوازی، چاپ چهارم، تهران، موسسه فرهنگی هنری ماهور، ۱۳۹۱ش.
۱۲. رجایی بخاری، احمدعلی، پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۹ش.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالتراث.
۱۴. سعدی شیرازی، شرف الدین مصلح بن عبدالله، کلیات اشعار، چاپ دوم، تهران، انتشارات منشا دانش، ۱۳۸۹ش.
۱۵. شریف، بابک و فاطمه بهرامی، اعجاز موسیقیایی قرآن در آینه عبارت های موزون عروضی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال چهارم شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵ش.
۱۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۸ش.
۱۷. صالحی، علیرضا، تحلیلی بر نظام زبانی قرآن کریم و نقد نظریه جاحظ در زمینه آیات وحی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
۱۸. فارابی، ابونصر، الموسيقى الكبير، تحقيق و شرح غطاس عبدالملک حبشه، دارالكتب عربي، قاهره .
۱۹. نائل خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات توسع، ۱۳۶۱ش.